

با تشکر از کتابخانه‌هایی که درهای محبتشان را به روی ما گشودند:

- کتابخانه ملی ایران
- کتابخانه روزنامه آفتابگردان
- کتابخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
- کتابخانه مرکز اسناد و مدارک ملی
- آرشیو روزنامه کار و کارگر

پهلو ۱۳۷۶

مقاله‌شناسی توصیفی

فنون قصه‌گویی، بذر تمام ارزشهای بزرگ و کوچک مذهبی و انسانی را در ضمیر مخاطب خود بکار د.

در این گزارش، آرا و نظرات سه کارشناس امور مذهبی و هنری کودک و نوجوان: مرجان کشاورز (نویسنده) محمدحسین کیانیپور (سر دبیر برنامه قصه ظهر جمعه رادیو) و مصطفی رحماندوست (شاعر و نویسنده)، مطرح شده است.

اهم نظرات کارشناسی این افراد:

– آموزش و پرورش به منظور ارتباط بیشتر فرهنگی با نسل جدید، می‌تواند از شیوه‌های قصه‌گویی استفاده کند.

– والدین نباید قصه و قصه‌گویی را تنها به عنوان وسیله‌ای برای سرگرمی به کار برند. این عنصر نه تنها به ایجاد ارتباط تنگاتنگ صمیمی و عاطفی دو طرف کمک می‌کند، بلکه به وسیله آن می‌توان مفاهیم اسلامی و انسانی و پیامهای مهر و دوستی قصه‌های گذشتگان را به مخاطب انتقال داد.

– در رسانه‌های جمعی، باید به مسائل فرهنگی بهای بیشتری داده شود. یک مرکز نظارت قدرتمند باید بر آثار فرهنگی خاص کودکان و بازار کتاب کودک نظارت داشته باشد تا تکلیف نویسنده، مترجم و ناشر مشخص باشد.

– سیاستهای کتاب و نشر نباید دائم با تغییر سلیق مسئولان عوض شود.

□ هفته‌نامه‌ها

۲. روز هفتم، سال سوم، شماره ۱۱۶، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۷۶.

تئاتر کودک و پرورش یک نسل بخشی در باب ویژگی‌های تئاتر کودک از دیدگاه روان‌شناسی

□ (روزنامه‌ها

۱. کیهان، یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۷۶.

از کودکان غافل نباشیم، چه بشنوند، چه ببینند و چه بخوانند
مروری بر جایگاه قصه‌گویی برای کودکان به بهانه برپایی جشنواره قصه‌گویی (بخش پایانی).

نویسنده: مینو بدیعی

گذرشن «یکی از مهمترین راه‌های ایجاد ارتباط و پیام پدران و مادران به فرزندانشان، قصه‌گویی بوده است. قصه‌گو می‌توانست با بهره‌گیری از

۳. زن روز، شماره ۱۵۸۶، شنبه ۲۴ اذر ۱۳۷۵.

کم‌خوانی یا افت فرهنگی؟
چند نکته درباره کتاب و کتابخوانی (قسمت آخر)

مقاله نویسنده مقاله به مسائلی حول و حوش نشر کتاب و کتابخوانی اشاره دارد. مسائلی همچون: گرانی، مشکلات نشر، وضعیت ناشران از لحاظ چاپ و انتشار کتابهای پرفروش ولی کم‌محتوا، گرفتن یارانه برای کاغذ، فیلم و زینک و فروش آنها در بازار آزاد و تمایل ناشران کودک و نوجوان به بازنویسی کتابهای قبل از انقلاب برای نپرداختن حق تصویرگری و تألیف.

در پایان نیز پیشنهادهایی در زمینه حقوق مؤلف، نظام عرضه و تقاضا و عملکرد ناشران و... ارائه شده است.

۴. زن روز، شماره ۱۵۸۷، شنبه ۱ دی ۱۳۷۵.

ترانه‌ای برای کودکان
نگاهی به کاستهای موسیقی کودکان
نویسنده: مهران پورمندان

مقاله برای خلق آثاری که خاص کودکان پدید می‌آیند، باید حساسیت‌های فراوان آموزشی و پرورش مد نظر گرفت.

برای ساخت ترانه ساده کودکانه باید به شعر و موسیقی آن توجه کرد. شعر ترانه کودکان، اغلب باید دارای ارزش و توان تصویرسازی خلاق و حرکت و پویایی زندگی باشد و برای بیان احساسات از نزدیکترین دلبستگیهای کودکان استفاده کند. در این زمینه می‌توان اشعار ثمین باغچه‌بان در مجموعه «رنگین‌کمان» را مثال آورد.

اشعاری که ریشه در حکایتهای قدیمی و فلکلور سنتی دارند جذابیت زیادی برای کودکان دارند و آنها را با فرهنگ ملی و دیرینه کشورمان آشنا می‌سازند.

مقاله محور اصلی مطالب این مقاله، اهمیت تئاتر در شکل‌پذیری شخصیت ذهنی و عاطفی کودک و چگونگی آن است.

در زمان رشد کودک، «یادگیری نقش» اهمیت بسزائی دارد. وقتی کودک قادر به پذیرش ایفای نقشی دیگر شد مرحله احساسی، فرآیندهای نقش‌پذیری را شکل می‌دهد. مراحل روانی مختلف به ترتیب اهمیت عبارتند از:

۱. در آغاز، شخصی دیگر (مثلاً مادر) بخشی از «خود» کودک را شکل می‌دهد.
۲. به تدریج، کودک احساس می‌کند که وجودش حالتی بیگانه با او دارد. از این رو آن بخش از تجربه خود را جدا کرده و کم‌کم به معنی «دیگری» پی می‌برد.

۳. در این مرحله، کودک فعالانه در نقش دیگری قرار می‌گیرد (تقلید).

۴. کودک دارای نقش دیگری می‌شود و در قبال کسی نقش بازی می‌کند که از نظر وی دارای نقش خود است. کودک با اشغال دو قطب ارائه نقش («من» و «دیگری») قدم محکمی در راه اجتماعی شدن برمی‌دارد، زیرا می‌تواند روابط متقابل برقرار کند.

تئاتر در همین مرحله به یاری کودک می‌آید و به او کمک می‌کند که هرچه سریعتر «نماد» را بشناسد و تفکر نمادی پیدا کند تا از آن الگوبرداری کند.

تئاتر به دو دلیل در انجام این امر موفق است:

۱. نمادها به یاری بازی نقش و تقلید، بسیار سریعتر شکل می‌گیرند.
۲. تئاتر، کارکرد نقشها و رفتارهای اجتماعی را به کودک آموزش داده و او به تدریج اجتماعی می‌شود.

موسیقی موجود در جامعه ما، اغلب نقاط ضعف بسیاری دارد و شاعر مجبور است از نظر جمله‌بندی و طرز ادای کلمات، بر تأکیدات کلمات تکیه کند. از سوی دیگر، شعر باید فضای ترانه را بسازد و موسیقی حرکت شعر را نیرومندتر کند و به آن سمت و سویی مشخص و مناسب ببخشد.

موسیقی با تغییر سرعت و شدت و ضعف بخشیدن به اصوات می‌تواند جلوه‌های متفاوتی از یک بیان ثابت را ارائه دهد. در هر صورت کار نباید یکنواخت باشد. استفاده از سازهای مختلف برای فضا سازی و به وجود آوردن حال و هوای مناسب شعر، از کارهای علمی است که باید در ترانه‌سازی برای کودکان مورد توجه قرار گیرد.

برخی از این افسانه‌ها محبوبیت جهانی یافتند که عبارتند از: «لباس تازه امپراتور»، «جوجه اردک زشت»، «پری کوچک دریایی»، «بلبل»، «ملکه برفها» و «مادر و خوک‌چران».

استنباط اندرسن از افسانه این بود که «شعر جهانی یا شکل شاعرانه‌ای از هستی است.» آثار اندرسن به بیشتر زبانهای زنده دنیا ترجمه شده و می‌شود و بسیاری از آنها مضمون و محور جذابترین نقاشیهای متحرک بوده‌اند. خواندن آثار اندرسن مثل نگاه کردن به تصویر حیرت‌انگیزی از همه جهان است؛ افسانه‌های او، قصه‌هایی جادویی اما خردمندانه‌اند.

ع. زن روز، شماره ۱۶۰۲، شنبه ۶ اردیبهشت ۱۳۷۶.

نوشتن همیشه برایم نیاز بوده است.
گفتگو با مزگان شیخی (مترجم و نویسنده).

۵. زن روز، شماره ۱۶۰۰، شنبه ۲۳ فروردین ۱۳۷۶.

هانس کریستین اندرسن (خالق دختر کبریت فروش)
نویسنده: فرزانه کریمی

تذکره در این گفتگو، خانم شیخی از زندگی، آثار ادبی، نظراتش درباره ادبیات کودک و نوجوان سخن گفته و به نویسندگان نوجوان توصیه‌هایی مختصر کرده است.

خانم شیخی گفته است:

– درس انشا را چون اصلی‌ترین معیارش نوشتن بود، خیلی دوست داشتم.

– از بین تمام آثار خودم، رمان «یوسف کم‌گشته» و «تابستان و غاز سفید» را بیشتر از بقیه می‌پسندم و شخصیت «بلبل نوک طلا» را در داستانهایم دوست دارم.

– پرداختن به کار در مطبوعات، موافق علاقه من به نوشتن بوده است، چرا که ارتباطات، فعال کردن امور فرهنگی و... همیشه برایم جذابیت داشته است.

وی در مورد قصه‌های ترجمه‌ای گفته است: «این‌گونه آثار فرهنگ خاص خودشان را دارند و مشکلات و مسائلی را طرح می‌کنند که مربوط

تذکره زندگی‌نامه اندرسن و معرفی بعضی از آثار مشهور وی، اصلی‌ترین مطالب این مقاله را تشکیل می‌دهد. به نظر نویسنده، دستمایه اکثر حوادث و مضامین داستانها و سفرنامه‌های اندرسن از رویدادهای واقعی زندگی خود وی سرچشمه می‌گیرد. در این زمینه می‌توان: «او. تی»، «فقط یک ویولن‌زن»، «دو بارونس»، «بودن یا نبودن»، «شاهزاده و گدا» و سفرنامه‌های معروف او را مثال زد.

اندرسن در طول زندگی خود معروفیت زیادی پیدا کرد. ولی پس از مرگ وی ۱۶۸ افسانه عامیانه‌ای که نوشته بود بر گسترش این شهرت افزود. از میان این افسانه‌ها می‌توان به: «شاهزاده و نخود»، «کلاوس کوچک و کلاوس بزرگ» و «گل کوچک آیدا» اشاره کرد.

نویسنده بار بیاورد.»

۷. زن روز، شماره ۱۶۰۳، شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۶.

تصویرگری کودکان...

معرفی یک هنرمند (علیرضا میراسدالله)
میترا لبافی

۱۳۷۵ گالری نقش جهان، از ۲۵ تا ۳۰ بهمن ماه سال جاری، آثار (تصاویر کلاژ) علیرضا میراسدالله را به نمایش گذاشت. این هنرمند، بجز نقاشی به سرایش شعر نیز علاقه مند است. در این گفتگو بیشتر مطالب در زمینه عناصر تشکیل دهنده تصاویر کلاژ و چگونگی کاربرد آنها به بحث گذاشته شده است.

به اعتقاد اسداللهی، آموزش اصول پایه و مبانی رنگ در هنر نقاش و همراهی استاد در آغاز راه آموزش نقاشی، کمک مؤثری به علاقه‌مندان این هنر است. وی درباره خلق آثار کودکان گفته است: «کار کردن درباره بچه‌ها مشکل نیست، مگر اینکه خود را بزرگسال احساس کنید.»

اسداللهی از نحوه برخورد کودکان با آثارش اطلاعی ندارد، ولی استنباط می‌کند که می‌تواند بر مخاطبان خود تأثیرگذار باشد. او آنها را دوست دارد و در حین آموزش نقاشی به کودکان، از آنها حس می‌گیرد و به آنها حس می‌دهد.

۸. زن روز، شماره ۱۶۰۶، ۳ خرداد ۱۳۷۶.

من و تو... و این همه کودکی!...

به بهانه اجرای «ایر، دختر، آدمک» ۳ الی ۵ اردیبهشت، به کارگردانی خانم سوسن مقصودلو

نویسنده: حمیدرضا گنجی

نقد سینما نویسنده پس از بیان خلاصه‌ای از داستان نمایش، به بررسی نکات مثبت و منفی

به کودک و نوجوان مکانی دیگر است. قصه ترجمه شده نمی‌تواند جای قصه تألیفی نویسنده آشنا به فرهنگ مخاطب را بگیرد.»

از وی پرسیده شده است: «چرا قصه‌های ایرانی به زبانهای خارجی ترجمه نمی‌شود و مورد استفاده قرار نمی‌گیرد (یا کمتر این اتفاق صورت می‌گیرد). خانم شیخی در پاسخ گفته است: «عوامل زیادی در این امر دخیل‌اند که مهمترین آنها: محدود بودن فارسی‌زبانان جهان، نژادپرستی و قوانین ظالمانه بین‌المللی است.»

وی در پاسخ به این پرسش که چرا در رمانهای کودک و نوجوان تخیل کمتری به کار رفته است؟ و آیا این امر باعث کاهش علاقه نوجوان به مطالعه نمی‌شود؟ گفته است: «اغلب افسانه‌های قبل از انقلاب به نفع طبقه حاکم جامعه (شاه، ملکه، شاهزاده) شکل گرفته بود، پس از پیروزی انقلاب، این مضامین دیگر مورد توجه واقع نشد و نسل جدید کودک و نوجوان (که اکنون نویسندگان این قشر به شمار می‌آیند) کمتر داستانهای افسانه‌ای و تخیلی خوانده‌اند و به همین دلیل در نوشتن مطالب تخیلی توانایی لازم را ندارند. پیشنهاد می‌کنم با پالایش افسانه‌ها، نمونه‌های خوب و سالمی را انتخاب کرد و برای کودک و نوجوان امروزی در نظر گرفت.»

توصیه خانم شیخی به نوجوانانی که می‌خواهند نویسنده شوند، این است که: «نوشتن، نیازی روحی است، اگر احساسش کردید، باید بنویسید. استفاده از تجربه نویسندگان و خواندن آثار خوب شما را در دستیابی به این هدف کمک می‌کند.» و افزوده است: «ایجاد رشته داستان‌نویسی در مقطع دانشگاهی، می‌تواند آموزشهای لازم را به علاقه‌مندان ارائه کند (البته نه اینکه حتماً آنها را

آن از دیدگاه خود پرداخته است:

— روحیه بازیگر «دختر» بیشتر شبیه آدم بزرگها بود.

— اجرا در اواسط کار کمی خسته کننده می شود. کارگردان با استفاده از ترانه و بازی می خواسته این کسالت را از بین ببرد، اما توفیقی نیافته است.

— در نمایش به چرایی حوادث توجه نمی شود (که البته با روحیه کودکان منافاتی ندارد).

— مواردی چون نشستن بازیگر بیز، تماشاچیان، برای مخاطب کودک جذاب و جالب بود.

— استفاده از طراحی مناسب «آدمک» و «ابر» و رنگهای شاد و درخشان از نقاط مثبت اثر بود.

— بازی خوب بازیگران، مثلاً ابوالفضل سلک در نقش «آدمک» ساده، پراحساس و خوب بود.

— نور، در این نمایش عملکرد مناسبی نداشت و نحوه نورپردازی باعث لو رفتن حرکات عروسک گردانهای پشت پرده می شد.

— پخش موسیقی مناسب نبود.

۹. زن روز، شماره ۱۶۰۶، ۲ خرداد ۱۳۷۶.

جایگاه تئاتر کودک غم انگیز است.

گفتگو با سوسن مقصدلو نویسنده و کارگردان نمایش «ابر، دختر، آدمک»

گفتگو در این گفتگو، کارگردان نمایش به شرح نکاتی درباره اجرای این نمایش و به طور کلی تئاتر کودک پرداخته است.

در نمایش «ابر، دختر، آدمک» دختر نمی گذارد ابر برای دیگران ببارد این حس مالکیت در کودکان وجود دارد و غیرطبیعی هم نیست. خصلتهایی چون خست، در کودکان نیز

همانند بزرگسالان وجود دارد.

به نظر کارگردان سطحی نگری هنرمندان تئاتر نسبت به دنیای پر رمز و راز کودکان، روحیه آنها را تباه کرده و به ابتذال عادتشان می دهد.

در تئاتر کودک، لزوم خواندن شعر همراه با موسیقی، ناشی از جذابیت آن برای مخاطب است. کودک از طریق برقراری ارتباط با موسیقی، می تواند ارتباطی زیباتر و بهتر با دنیای بیرون برقرار کند.

جایگاه کنونی تئاتر و بویژه تئاتر کودک، غم انگیز است.

۱۰. زن روز، شماره ۱۶۰۸، ۱۶ خرداد ۱۳۷۶.

نوجوانها چه می خواهند، نشریات نوجوان چه می نویسند؟

نویسنده: پروین حاجی پور سارودی.

نظرخواهی در حال حاضر بیش از سی عنوان نشریه مخصوص کودک و نوجوان به صورت روزانه، ماهانه، فصلی و... در سطح کشور توزیع می شود که همگی با هدف آموزش سرگرمی و اطلاع رسانی به مخاطبان خود منتشر می شوند.

نویسندگان در این نظرخواهی، پای درد دل بعضی از نوجوانان پسر و دختر ۱۵ تا ۱۹ ساله نشستند و در ارتباط با مسائل آنان به گفتگو پرداخته است. اهم مطالب گفته شده از سوی نوجوانان عبارتست از:

— برنامه ریزان و مسئولان مطبوعات و رادیو و تلویزیون، باید جایگاه این گروه سنی را در برنامه های خود مشخص کنند. در حال حاضر این گروه نه وضعیتی دارند که با کودکان مقایسه شوند (مسائل کودکان برای آنان جذابیت ندارد) و نه حرفهای بزرگترها برایشان کارایی دارد.

و فاقد هر گونه پیچیدگی کلامی و بیانی است. این سادگی، فیلم را نیز به سمت سادگی می‌کشاند.

در این فیلم، صداقت و مهربانی حرف اول را می‌زند. در این راه زبان پاک و بی‌آلایش نویسنده، تدوینگر همفکر و همراه با کارگردان و استفادهٔ بجا از موسیقی، بسیار دخیل بوده است.

شناخت روان‌شناسانه کارگردان از کودکان، باعث شده است که بازیهای طبیعی از بازیگران کودک گرفته شود.

در «کیسه برنج» نگاه فیلمساز به دنیای پیرامون، همیاری، دوستی، فقر و خشونت را به هم گره می‌زند و آشکار است که کارگردان تنها به گیشه چشم ندوخته است.

۱۲. سروش، سال نوزدهم، شمارهٔ ۸۴۹، شنبه ۱۷ خرداد ۱۳۷۶.

ضرورت بازیگری در برنامه‌های کودکان و نوجوانان.

نویسنده: محمدرضا بایندر

تذکره بحث در زمینهٔ آسیب‌پذیری کودکان از برنامه‌های تلویزیونی از دیدگاه روان‌شناسی کودک و تأثیرپذیری روان او از این برنامه‌ها اهم مطالب این مقاله را تشکیل می‌دهد.

پیاژه، روان‌شناس معروف می‌گوید:

توانایی‌ها و ظرفیتهای ذهنی کودکان، همگام با افزایش سن آنها، رشد و توسعه می‌یابد و در این فرآیند، کودک داده‌های محیط را درون‌سازی کرده و متناسب با آنها برای سازش با موقعیتهای جدید، تغییراتی در روان بنه‌ها (واحدهای سازندهٔ ذهن) خود به وجود می‌آورد (برونسازی). با توجه به این نظریه اگر اطلاعات ارائه شده به کودک، غلط و یا به نوعی غیرواقعی باشد، تحول‌شناختی وی نیز هماهنگ با این درون‌دادهای غیرواقعی انجام

— اغلب مصاحبه‌شوندگان دلیل وقت‌گذرانی همسن و سالان خود را بر سر کوچه‌ها و گذرها، نبودن برنامه و سرگرمی خاص خودشان دانسته‌اند. آنها گفته‌اند که اگر هم برنامه‌ای برای این گروه تهیه شود، برای ارائه نظرات به کارشناسان، دکترها و متخصصان بزرگسال عرضه می‌شود و از نوجوانان سؤالی نمی‌شود که خودشان نیازها و خواسته‌های خود را به زبان بیاورند. درک نوجوانان از خود و محیطشان، باید در مطبوعات و صدا و سیما مورد توجه دست‌اندرکاران قرار گیرد و برنامه‌هایی با جذابیت‌های مخصوص این قشر تهیه شود.

— دختران نوجوان نیز علاوه بر مشکلات بالا به نداشتن جایگاه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی خود اشاره می‌کنند و توقع دارند که مطبوعات به منظور آشنایی آنان با اجتماع، فرهنگ و... بیشتر فعالیت کنند.

نویسنده در پایان پیشنهاد داده است که نیروهای متخصص و ثابت باید در مطبوعات و سیما به دور از انواع گرفتاری‌های شغلی و زندگی با نوجوانان ارتباط برقرار کنند و با درک موقعیت سنی و زمانی آنها، جایگاهی مشخص در جامعه برای آنها ترسیم کنند.

۱۱. زن روز، شمارهٔ ۱۶۰۹، ۲۴ خرداد ۱۳۷۶.

کیسه‌ای پر از مهربانی...
نگاهی به فیلم «کیسه برنج» ساخته
«محمدعلی طالبی»
نویسنده: بهزاد صدیقی.

نویسنده، پس از اشاره به کارهای قبلی کارگردان، به بحث در مورد بعضی از عناصر سازنده فیلم پرداخته و اغلب آنها را مفید و در جهت مثبت جذب مخاطب معرفی می‌کند. بر اساس عقیدهٔ نویسنده: فیلمنامهٔ این فیلم، ساده

می‌پذیرد. به همین دلیل است که کودکان آنچه را در تلویزیون می‌بینند واقعی می‌پندارند و این امر آسیبی شدید به روان آنها وارد می‌سازد.

کودکان، کتابهای داستانی را نمادی از واقعیت و برنامه‌های تلویزیونی را عین واقعیت پنداشته و با شخصیت‌های آن، همذات‌پنداری می‌کنند.

واکنش عاطفی کودکان در برابر تلویزیون، امری بسیار مهم است، زیرا عواطف رکن اساسی رفتار انسان را تشکیل می‌دهد و تکوین و رشد صحیح این رکن، باعث سلامت روانی فرد و امنیت اجتماعی خواهد بود.

مسئولین صدا و سیما می‌توانند با پیشگیری صحیح و ارائه اطلاعات درست، از بروز بیماری، اختلال، انحرافات اجتماعی و... در کودک و نوجوان جلوگیری کنند. آنها باید مخاطب‌شناسی را مد نظر داشته و برنامه‌سازی خود را با ویژگیهای تحولی آنان منطبق سازند.

در ادامه این مقاله، چند پیشنهاد برای مطلوب‌تر کردن برنامه‌های تلویزیون ارائه شده است که عبارتند از:

۱. تخصصی شدن شبکه‌ها و برنامه‌ها برحسب مخاطب؛
۲. تخصص و آگاهی برنامه‌سازان (شناخت خصوصیات روانی، عاطفی و جسمی کودکان بویژه از دیدگاه روان‌شناختی تربیتی کودک).

همچنین توصیه‌هایی درباره تلویزیون و کودکان به والدین آنها شده است که عبارتند از: بعضی از عوارض تلویزیون، جسمی و روانی است (چاقی، خشونت، پیامهای غیرواقعی درباره مواد مخدر، الکل).

تماشای تلویزیون را به یک یا دو ساعت در روز محدود سازید.

– برنامه مجاز و مخصوص کودک را انتخاب کرده و بعد از اتمام برنامه، با کودک درباره آن گفتگو کنید.

– به کودک بفهمانید که آنچه می‌بیند غیرواقعی است.

– تلویزیون را به مثابه یک پرستار کودک در نظر بگیرید و برنامه‌هایی نظیر: فعالیت درون یا بیرون از خانه، گردش، بازی کودکان، ورزش و غیره را مد نظر داشته باشید.

– مواظب آگهی‌های تبلیغاتی باشید و آنچه را که نیاز واقعی کودک است بخرید.

– برنامه‌های خوب و آموزشی تلویزیون را روی نوار ویدئویی ضبط کنید.

۱۳. سینما، سال پنجم، شماره ۲۳، ۲۶ دی ۱۳۷۵.

بازی‌های کودکان در سینما

گزارشی از نحوه حضور بازیگران کودک و نوجوان در سینما.
نویسنده: مرتضی محمدیان.

در این گزارش، تنی چند از هنرمندان و دست‌اندرکاران سینما به اظهارنظر در مورد چگونگی فعالیت و بازیگری کودکان در فیلمها و همچنین مراکزی که باید از این افراد حمایت کنند، پرداخته‌اند که اهم نظرات آنان عبارتست از:

– اسماعیل براری (کارگردان): «در بعضی از کشورها، مراکزی وجود دارد که بر تمام عناصر ساخت یک فیلم کودک (از فیلمنامه گرفته تا مرحله تولید، دستمزدها، ساعت کار، نوع حرکات و بازی، رفتار با کودک و...) به طور دقیق نظارت دارند. این در حالی است که در حال حاضر، چنین مرکزی در کشور ما وجود ندارد.»

– فریال بهزاد (کارگردان): «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان می‌تواند سینمای

کودک و فیلم کودک (به تبع آن هنرمند کودک) را زیر پوشش بگیرد و در این زمینه تخصصی‌تر عمل کند.»

— داریوش نوروزی (مسئول واحد کودک و نوجوان بنیاد سینمایی فارابی): «اگر پایگاهی باشد که سنجیده عمل کند و قصدش فقط حمایت از سینما و بازیگران کودک باشد و آنها را مورد حمایت قرار دهد. سینمای کودک خوبی خواهیم داشت به نوعی که والدین احساس کنند فرزندانشان به لحاظ روحی - روانی از امنیت برخوردارند و می‌توانند حضوری فعال در این حیطه داشته باشند.

وقتی کودکی وارد حرفه سینما می‌شود احتمال دارد مشکلاتی برایش پیش آید. به عنوان مثال دو - سه ماه از درسش عقب بیفتد و یا گرایش‌های ایده‌آلیستی و رویایی پیدا کند. مسائلی این‌چنینی حتماً باید مورد توجه مسئولین قرار گیرد.»

— مهستی بدیعی (کارگردان): «آینده یک کودک هرگز نباید فدای بازی در فیلم شود و حتی یک درصد به فکر و آینده او لطمه بزند و در تحصیل او اختلالی ایجاد کند و یا کار در فیلم موجب برداشت غلط کودک از جامعه شود.»

— مهدی باقری (مدیر روابط عمومی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان): «در کانون، از هر فردی که بخواهد در زمینه کودکان فعالیت کند، چه باتجربه و کم‌تجربه، در حد امکانات حمایت می‌کنیم، ولی برای تحت حمایت و پوشش قرار دادن سینمای کودک و بازیگران آن (با وجود تخصص علمی موجود) باید سیاست کلانی مد نظر باشد و این کار ضرورت تصمیم‌گیریها و بحثهای کارشناسی بسیار گسترده‌ای را می‌طلبد که در حال حاضر در توان این مرکز نیست.»

۱۴. مهر، پیاپی شماره اول، شماره ۴۵ دی ۱۳۷۵.

شیرین مثل کشف و شهود کودکی
یادداشتی کوتاه بر «خواهران غریب»
نویسنده: زهرا مدنی

«خواهران غریب» به وسیله صداقتی که فیلمساز اعتقاد دارد در آن وجود داشته به موفقیت رسیده و با مخاطبان ارتباط برقرار کرده است.

— محسن پناهی (کارشناس امور فرهنگی آموزش و پرورش): «در این ارگان، مراحل برای نظارت و حمایت از حقوق، نیازها و خواسته‌های مادی و معنوی کودک در نظر گرفته شده است. اگر در مواردی از کودکان

مضمون فیلم برداشتی نو و تازه از اثر «آریش کستور» است که پوراحمد آن را در قالب دنیای تصاویر عینی به وجود آورده است. پوراحمد، عشق و عاطفه را بهترین وسیله برای

مضمون فیلم برداشتی نو و تازه از اثر «آریش کستور» است که پوراحمد آن را در قالب دنیای تصاویر عینی به وجود آورده است. پوراحمد، عشق و عاطفه را بهترین وسیله برای

مضمون فیلم برداشتی نو و تازه از اثر «آریش کستور» است که پوراحمد آن را در قالب دنیای تصاویر عینی به وجود آورده است. پوراحمد، عشق و عاطفه را بهترین وسیله برای

مضمون فیلم برداشتی نو و تازه از اثر «آریش کستور» است که پوراحمد آن را در قالب دنیای تصاویر عینی به وجود آورده است. پوراحمد، عشق و عاطفه را بهترین وسیله برای

مضمون فیلم برداشتی نو و تازه از اثر «آریش کستور» است که پوراحمد آن را در قالب دنیای تصاویر عینی به وجود آورده است. پوراحمد، عشق و عاطفه را بهترین وسیله برای

مضمون فیلم برداشتی نو و تازه از اثر «آریش کستور» است که پوراحمد آن را در قالب دنیای تصاویر عینی به وجود آورده است. پوراحمد، عشق و عاطفه را بهترین وسیله برای

برقراری ارتباط سالم با دیگران می‌داند. نویسنده در نقد تکنیکی این اثر نوشته است: «دوربین، توجه به تحولات درونی شخصیتها را بدون شتاب و از سر صبر و حوصله انجام می‌دهد. کارگردان ضمن نقل داستانی ساده و کودکانه با ویژگی صداقت، صبوری و سرزندگی، توانسته فیلمی سالم بسازد و با استفاده از بازیگران حرفه‌ای، احساسات واقعی و درونی شخصیتها را عینی کند، تا حدی که کودک گاه به کشف معنا نائل می‌شود.»

۱۵. مهر، شماره دوم، سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۶.
مشکل کتاب، مشکل نظام آموزشی.
مقاله (سر دبیر)

از دید نویسنده، مشکل کتابخوانی تنها به نظام آموزشی مربوط نبوده و تنها با اصلاح و ترمیم این نظام حل نخواهد شد. اساساً این مشکل در تفکر آحاد جامعه ما رسوخ کرده است. اغلب گردانندگان فعلی جامعه، تحصیلات خود را در همین نظام طی کرده و در واقع ثمره این سیستم به شمار می‌آیند و به همین دلیل این نظام از دیدگاه آنان، نظامی کارآمد و باصلاحیت است.

در واقع نظام آموزشی کنونی به ما می‌آموزد که چگونه می‌توان کتاب نخواند و فکر نکرد. این آموزش از طریق استفاده بیش از حد و حصر از جزوه‌های درسی و آموزشی، به‌کارگیری معلمان در زمینه‌ی ارائه روشها و نکات ریز تست زدن، موفقیت در کنکور، حل مسائل و... صورت می‌گیرد.

در این وضعیت، نظام آموزشی از کتاب بی‌نیاز بوده و فرصت خواندن و اندیشیدن از دانش‌آموز گرفته می‌شود.

۱۶. مهر، شماره دوم، سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۶.
انتشاراتی‌ها، گفتنی‌های بسیاری دارند...

نظرده‌ای نویسنده، به مناسبت برگزاری دهمین نمایشگاه کتاب تهران، هشت سؤال درباره‌ی مسائل کتاب (مخاطبین، نمایشگاه، نشر، ناشران، ممیزی و...) از چند ناشر کرده و چهار ناشر به این سؤالات پاسخ داده‌اند. اهم مطالب گفته شده عبارتست از:

مدیر نشر روایت: «حضور مردم در نمایشگاه کتاب، با انگیزه‌های متفاوتی صورت می‌گیرد. آگاهی یافتن از تازه‌های نشر، خرید کتاب درسی مورد نیاز، خرید کتاب برای کتابخانه‌ها و...

نمایشگاه کتاب شور و حالی موقت در صنعت نشر ایجاد می‌کند.

مردم به فرهنگ شفاهی بیشتر از فرهنگ مکتوب علاقه نشان می‌دهند و به همین دلیل، با وجود پیشرفت‌های تکنیکی، در صنعت نشر کتاب شکوفایی ایجاد نمی‌شود. مسئولین باید با بسیج همگانی در زمینه‌ی مطالعه و رشد کتابخوانی در جامعه کوشا باشند. تهیه و عرضه‌ی فهرست کتب ناشران، یکی از روشهای اطلاع‌رسانی به قشر کتابخوان است. عوامل بیشماری بر روند نشر کتاب تأثیر می‌گذارند، مانند: ممیزی خارج از قانون که باعث رکود وضعیت نشر می‌شود.»

مدیر انتشارات روز: «هر ناشری سعی می‌کند یکی از حوزه‌های فرهنگی را انتخاب کرده و در آن تبحر و تخصص لازم را کسب کند، تا سطح کیفیت کتابهایش بالا برود. برای ترویج کتابخوانی، ایجاد هرچه بیشتر کتابخانه‌های عمومی و تخصصی، خرید و توزیع کتابهای نفیس و گرانبها که بیشتر جنبه‌ی مأخذ و منبع دارند... تأثیر بسزایی دارد.»

مدیر نشر قطره: «فروش کتابهای درسی از

فانتزی می‌کشاند. این نوع تئاتر از نوعی غنای خلاقیت برخوردار است و اگر توجه دقیقی به شناخت کودک و بزرگسال صورت پذیرد، برای هر دو قشر مخاطب لذت‌بخش است، ولی با کودک به علت جاندارپنداری (آنیمیسیم) و یگانگی با طبیعت، ارتباط مضاعف برقرار می‌کند و تأثیرش نیز بیشتر است.

تئاتر عروسکی در حال حاضر فاقد گروه‌های منسجم است و نمی‌تواند تجارب خود را به ثبت برساند. این نوع تئاتر با داشتن سیستم فاصله‌گذاری، قادر است بیشترین ارتباط با تماشاگر را پدید آورد.

۱۸. مهر، شماره پنجم، سه‌شنبه ۶ خرداد ۱۳۷۶.

فرار از آتش

نقد کتاب «بچه‌های سنگان» نوشته حسین فتاحی

نویسنده: سمیرا اصلانپور

نقد بیه عقیده‌ی منتقد، کتاب «بچه‌های سنگان» حاوی مطالبی به یادماندنی و جذاب از انقلاب نیست، زیرا:

– به غیر شخصیت عباسی (نوجوان اصلی داستان) تقریباً هیچ نوجوان دیگری در داستان دیده نمی‌شود. خود این نوجوان نیز جز دیدن و شنیدن وقایع و مسائل انقلاب، کاری صورت نمی‌دهد.

– آمدن خانواده‌ی عباس به توصیه پدر، امری غیرمنطقی و تحمیلی از سوی نویسنده داستان است تا شخصیتها بیشتر در جریان وقوع انقلاب قرار بگیرند.

– به نظر می‌رسد نویسنده تحت تأثیر کتابهای «پولینا روشنائی کوهستان» و «میگل» بوده است.

– شخصیت‌های داستان، افرادی بی‌هویت‌اند؛ نامهایی که فقط چهره‌هایشان ظاهر می‌شود

استقبال بیشتری برخوردار است. مشکلات اقتصادی مردم، نداشتن فرهنگ کتابخوانی، نبود بعضی از کتابهای مورد علاقه و نیاز مردم در بازار کتاب، بر رکود کتابخوانی تأثیر می‌گذارد.

مدیر انتشارات توس: «نمایشگاه کتاب یک رویداد بزرگ فرهنگی است و جمعیت زیادی برای بازدید و خرید کتاب به سوی آن جلب می‌شوند.

باید مقرراتی وضع شود که هر ناشری که کتابش برای اولین بار در همان سال چاپ شده است، در نمایشگاه حضور داشته باشد. در این صورت به خوبی متوجه می‌شویم که چقدر در نشر کتاب کم کار هستیم.

ناشران باید بتوانند از نویسندگان و مترجمان آثارشان در غرفه نمایشگاه دعوت کنند تا با مخاطبین کتابش ارتباط نزدیکی داشته باشد.

اگرچه اتحادیه‌ی ناشران وجود دارد، اما چون کارها، فعالیتها و حرکت‌هایی که در اصل جزء وظایف اتحادیه به شمار می‌آیند به وسیله وزارت ارشاد صورت می‌گیرد، وجود این اتحادیه و عملکرد آن کم‌رنگ می‌شود.

۱۷. مهر، شماره سوم، سه‌شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۶.

نمایش عروسکی خلق فانتزی است.

گفتگو با داود کیانیان، نویسنده و کارگردان نمایش عروسکی و سرپرست واحد تئاتر «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان»

تفتنگ تعریف آقای کیانیان از تئاتر عروسکی عبارتست از: «تئاتر عروسکی، زمانی آغاز می‌شود که تئاتر زنده از حرکت باز می‌ایستد.» وی در مورد ویژگی‌ها، مشکلات و چیهستی تئاتر عروسکی می‌افزاید:

«تصویر ذهنیتها و خلق نموده‌های عینی از تصاویر تخیلی، نمایش عروسکی را به خلق

ولی هیچ‌گاه معرفی نمی‌شوند.

— حوادث داستان نیز مانند شخصیتها و روابطشان، از هم گسیخته پیش می‌آیند و خواننده را با خود همدل نمی‌کنند.

— به نظر می‌رسد که دلایل کشتار ساواکی‌ها در هفده شهریور، توجیه‌کننده پاسخ انتقامی است از انقلابیون (به خاطر کشتار میهمانها در باغ سرهنگ) که این تصویر غلط، باید از ذهن خواننده پاک شود.

— توضیحات کتاب بیش از توان کشش آن است.

— کتاب به ویرایشی دقیقتر نیاز دارد.

۱۹. مهر، شماره پنجم، به‌شبه ۶ خرداد ۱۳۷۶.

بادکنک جهانی!

نویسنده: صابره محمد کاشی.

مقاله

نویسنده با اشاره به فیلمسازی به سبک «کیارستمی» اعلام می‌کند که پیروی از این سبک در سینمای ایران، تبدیل به «ژانر» شده و با موفقیت فیلم «خانه دوست کجاست؟» که مشخصه این نوع سبک است، این میل در هنرمندان پدید آمده است که از این مؤلفه‌ها بیشتر استفاده کنند. «بادکنک سفید» نشان داد که بجز کیارستمی، کارگردانان دیگر نیز با ساختن چنین فیلمهایی که پایه‌هایشان در اواخر سالهای چهل در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پی‌ریزی شده است، می‌توانند در جشنواره‌های خارجی خودی نشان بدهند.

نویسنده، محمدعلی طالبی را در ساخت فیلم «کیسه برنج» (از سری فیلمهای کانونی سابق الذکر) مآل‌اندیش‌تر می‌داند چرا که وی قصه آمادهای از هوشنگ مرادی کرمانی را برای ساخت فیلم خود انتخاب کرده که مشکل خاصی از لحاظ موضوع، مضمون و ممانعتهای

داخلی نداشته است. نویسنده در ادامه مقاله به‌طور مفصل مطالب، در مورد نقد و بررسی فیلم «کیسه برنج» نوشته است.

۲۰. مهر، شماره پنجم، به‌شبه ۶ خرداد ۱۳۷۶.

آیا قلب شما از سنگ است؟

نقد و مقایسه فیلم «کیسه برنج» با فیلم «چکمه» به کارگردانی محمدعلی طالبی نویسنده: چیستا یثربی

نویسنده، با هدف شناخت و بررسی فیلم «کیسه برنج» به نکات مشترک و وجوه تمایز موجود بین این فیلم و فیلم «چکمه» پرداخته است. اهم مطالب این نقد عبارتست از:

— مناظر آشنای فیلم «کیسه برنج» مانند مناظر فیلم «چکمه» و «تیک تاک» است. همه اینها می‌خواهند در پس روزمرگیها و یکنواختی معمول زندگی، به کشفی تازه و پرهیجان دست یابند.

— هر دو فیلم از دو بخش تشکیل شده‌اند بخشی که دقیقاً بر اساس فیلمنامه پیش می‌رود و حضور کارگردان و رد پای نویسنده در آن مشخص است و بخشی که بیشتر بر بسداه‌پردازی استوار است و خلاقیتهای خودجوش بازیگران اصلی فیلم، آن را به پیش می‌برد. این دو بخش، در فیلم «چکمه» دارای توازن لازم هستند ولی در «کیسه برنج» بخش دوم برجسته‌تر و شفاف‌تر از بخش اول است.

— مهارت کارگردان در کار با بازیگران غیرحرفه‌ای و بچه‌ها کاملاً مشخص است. در فیلم «چکمه» نوعی خلاقیت اصیل کودکانه با تمام فضاهای فیلم ترکیب شده و فیلم حرف واحدی می‌زند، ولی در «کیسه برنج» غوطه‌ور شدن بیش از حد کارگردان و نویسنده در ظرایف دنیای کودکی و انتقال آن به بازیگران کودک مشهود است، اما این ملحق‌سازی

خریداران کتاب، استفاده از کتابهای کم‌قطر و باریک را که به طور رایگان در اماکن عمومی و وسایل نقلیه گذاشته می‌شوند، توصیه کرده‌اند تا مردم به امر کتابخوانی بیشتر تشویق شوند. درباره عضویت در کتابخانه‌ها، اکثر پاسخ‌دهندگان نظر مثبت دارند و آن را برای مطالعه روزمره و هفتگی مفید می‌دانند.

پاسخ بخش دوم سؤال گزارشگر، عموماً این بود که ضروری‌تر بودن خرید کفش نسبت به کالاهای غیرضروری (مانند کتاب و مطبوعات) امری مشخص و مبرهن است!

بزرگسالان امکان رفتار طبیعی را از کودک می‌گیرند و در عین حال، فضای فیلم را از خلوص کودکان دور می‌کند.

در انتهای مقاله، نویسنده می‌پرسد: «آیا مخاطبان خردسال این فیلم می‌توانند ظرایف نهفته در آن را بفهمند و از تماشای آن لذت ببرند؟»

پاسخ به این سؤال، با مطالعه و بازنگری تعاریف و مفاهیم کودک و روان‌شناس مخاطب خردسال آن امکان‌پذیر است.

۲۱. مهر، شماره هفتم، سه‌شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۷۶.

من به کتاب اهمیت می‌دهم، ولی کفش را دوست دارم
گزارشی از میزان خرید محصولات فرهنگی در تهران.
نویسنده: بنفشه سام کبس

□ ماهنامه‌ها

۲۲. پیوند، شماره ۲۰۷، دی ۱۳۷۵.

اهمیت و ضرورت خواندن و مطالعه در جهان امروز
نویسنده: دکتر غلامعلی عطایی

سوال به دلیل رشد تکنولوژی و بینش و صنعت و رقابت شدید برای احراز و انتخاب شغل، افرادی موفق می‌شوند که از لحاظ خواندن و بخصوص خواندن مطالب علمی جدی، موفق‌تر باشند. این افراد می‌توانند به راحتی و سرعت، علم و دانسته‌های مورد نیاز را از گنجینه کتابها استخراج کنند.

بسیاری از دانشهای امروزی مانند مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، علوم، ادبیات، صنعت و حرفه و فن، اخلاق (سلامت جسم و جان) و مهمتر از همه خدانشناسی و معرفت نفس، تفریح و سرگرمی، چگونگی مناسبات درونی و بیرونی انسانها و... جز با خواندن کتاب فرا گرفته نمی‌شوند.

مهارت خواندن باید به طور علمی و جدی فرا گرفته شود. این کار باید از دوران کودکی

گزارشگر، نظر اقشار مختلف جامعه را در زمینه سؤلهایی مانند: چند ساعت در روز، هفته، ماه و سال مطالعه می‌کنید؟ نظرتان درباره اهمیت کتاب و مطبوعات در مقایسه با کالاهای ضروری و غیرضروری (مثل کفش) چیست؟ جویا شده است.

اکثر گفته‌های مربوط به سؤال اول، حاکی است که مردم چند ساعت در روز (و هفته) کتاب می‌خوانند. این در حالی است که بر اساس آمار تحقیقاتی، حداکثر زمان مطالعه هر فرد ایرانی یک دقیقه و اندی و سرانه مطالعه سالانه، یک سطر برآورد شده است. این آمار، صحت پاسخهای دریافتی را زیر سؤال می‌برد.

در زمینه تناسب درآمد با خرید محصولات فرهنگی، ارتباطی منطقی نمی‌توان یافت. بعضی از مردم با وجود بیضاعت مالی سراغ این محصولات نمی‌روند، اما گفته‌اند کتابخوانی و مسائل آن مربوط به دانشجویان است.

که دوره نقاشی‌پذیری صفتها و عادت‌هاست شروع شود و آمادگی برای خواندن از راه تعلیم سمعی (شنیداری و گفتاری) به وجود آید. باید کودک را به دیدن، پرسیدن، تجربه کردن و عمل کردن قیل از مدرسه و در مدرسه برانگیخت در مدرسه و دبیرستان نیز کسب مهارت خواندن باید مد نظر باشد. خواندن و مطالعه به معنای درک مطالب نوشته شده، شناخت ارزشها و مفاهیم کلمات و عبارات و جملات، دریافت دانستیها از راه فهمیدن پیام نویسنده و اندیشیدن درباره آن است.

به نظر نویسندگان، در عصر کنونی خلاصه‌گویی و خلاصه‌گیری یکی از رموز موفقیت در پیشرفت مطالعه و مهارت خواندن و بالطبع دانش و تکنولوژی انسانی است.

۲۲. تصویر، سال چهارم، شماره ۲۴، ص ۳۷۵

نخستین جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان

نویسنده: شیرین حکمی

مقاله نخستین جشنواره مطبوعات کودک و

نوجوان از اول تا هشتم آبان ۱۳۷۵ برگزار شد. در این جشنواره تمام آثار مطبوعات کودک و نوجوان سال ۱۳۷۴ از نظر کیفیت متن، تناسب موضوع آثار با نیازهای گروه سنی مخاطبان، نوآوری و خلاقیت در آثار، طراحی و صفحه‌آرایی و توجه به ابعاد مختلف تصویرسازی، تنوع مطلب، بهره‌گیری مناسب از تکنولوژی و... در دو بخش پدیدآورندگان هنر و ادبیات برای کودکان و نوجوانان در مطبوعات و آثار نوجوانان در مطبوعات کودک و نوجوان، مورد بررسی قرار گرفت.

یازده رشته هنری جشنواره شامل: شعر، داستان، بازنویسی قصه و افسانه از متون کهن، ترجمه، مقاله، عکس، تصویرگری، طرح

روی جلد و صفحه‌آرایی و... بود.

نویسنده مقاله، پس از معرفی هیئت داوران، نوشته است که هدف از برگزاری این جشنواره اهمیت دادن به نشریات و جلب توجه تمامی عوامل اجتماعی و فرهنگی به این حیطه است. مطبوعات کودک و نوجوان تأثیری ماندگار در باروری فرهنگی جامعه می‌گذارند و این نوع جشنواره‌ها می‌تواند در انتخاب بهترین الگو از بین آثار نمونه، کارساز باشد.

معرفی برنامه‌های جنبی و آثار برتر بخشهای مختلف، از دیگر مطالب این مقاله است.

۲۴. جیستا، سال چهارم، شماره ۴ و ۵ (شماره ژانویه ۱۳۷۵ و ۱۳۷۵) و بهمن ۱۳۷۵

فرزند پینه‌دوز

جستاری درباره زندگی‌نامه هانس کریستین اندرسن نویسنده دانمارکی
نویسنده: محمد زاهدی

مقاله بعضی از آثار اندرسن بویژه قصه‌هایش

برای بچه‌ها، موفقیت‌های شگفت‌انگیزی در پی داشته است. در واقع دیگر آثار این نویسنده مانند قصه‌های قدیمی او، از این محبوبیت و استقبال برخوردار نبوده‌اند. تأثیرپذیری قصه‌های او از فرهنگ و ملیتش، امری انکارناپذیر بوده است. در حالی که قصه‌های او به حد کمال جهانی شده‌اند.

نویسنده مقاله، پس از مقدمه بالا، به بررسی عناصر و تحلیل قصه‌های اندرسن پرداخته و نوشته است:

اندرسن صد و شصت و هفت قصه دارد که هیچ‌یک از آنها، مخوف یا وحشتناک نیست و حتی هنگامی که عنصری تخیلی وارد ماجرا می‌شود، عنصری دست‌آموز است.

در قصه‌های اندرسن کودکان مورد خطاب

- فیلمهای مورد بررسی در این مقاله عبارتند از:
۱. «بچه گرگهای بام گیلان» (فرهاد مهران فر).
 ۲. «بچه های باران» (علی شاهحاتمی).
 ۳. «در مدرسه سید قلیچ ایشان» (فرشاد فدائیان).
 ۴. «راویان کوچک روستای غریب» (پرویز کلانتری).
 ۵. «گته مردی» (خسرو معصومی).
 ۶. «گولش منزل» (فرشاد فدائیان).
 ۷. «دوبه» (بهرام عظیم پور).
 ۸. «دختر کوه های شقایق» (فرهاد مهران فر).

۹. «ملا خدیجه و بچه هایش» (ابراهیم مختاری).
۱۰. «حیران» (فرزاد مؤتمن).

۲۶. عکس، سال یازدهم، شماره ۱۱۹، فروردین ۱۳۷۶.

وقتی کودکان داوری می کنند

نظر/مشار در پنجمین جشنواره بین المللی عکس سورده، داوران در دو گروه سنی ۷ تا ۱۲ سال و ۱۲ تا ۱۷ سال، از بین ۱۱۰۰ عکس شرکت داده شده، ۴۸ عکس را در دو بخش کودکان زیر ۱۲ سال با موضوع «آزاد» و نوجوانان ۱۲ تا ۱۷ سال با موضوع «شادی» انتخاب کردند.

عکسهای جشنواره زیاد و بیشتر آنها خوب بود تا حدی که انتخاب از میان آنها مشکل به نظر می رسید. بعضی از عکسهای گروه نوجوانان ربطی به موضوع مسابقه (شادی) نداشت.

به نظر داوران، داوری کودکان و نوجوانان می تواند در درک مسائل و ارتباط بهتر آنها با زندگی همسالانشان، تأثیر خوبی داشته باشد. در داوری این گروه، همدلی و همکاری داوران نکته قابل توجهی به شمار می آید. یکی از

هستند. سرچشمه قصه های اندرسن از چند چیز سرچشمه می گیرند: تخیل شگفت انگیز و عناصر مربوط به زندگی شخصی نویسنده در خلق آثاری چون «جوجه اردک زشت»، «پری کوچک دریایی» و «درخت صنوبر» که با استفاده از نمادگرایی شفاف، به خواننده ارائه می شوند. افسانه های مردمی و عناصر فولکلوریک دیگر منابع الهام قصه های اندرسن بوده است: قصه هایی مانند: «قصه فندق»، «کلاوس بزرگ و کلاوس کوچک»، «تپه پریان» و «پری کوچک هوایی چشمک زن».

۲۵. زنان، سال ششم، شماره ۳۳، فروردین ۱۳۷۶.

کودکان آب، کودکان آتش
نگاهی به مجموعه فیلمهای «کودکان سرزمین ایران» در جشنواره پانزدهم فیلم فجر
نویسنده: الهام خاکسار

مقاله محمدرضا سرهنگی با تهیه چهل قسمت از مجموعه فیلمهای «کودکان سرزمین ایران» در گروه کودک و نوجوان شبکه دوم سیما، توانسته است سه نسل از کارگردانان حرفه ای، تجربی و جوان را در کنار هم گرد آورد.

سیزده قسمت از این مجموعه در جشنواره پانزدهم فیلم فجر به نمایش درآمد است که اغلب آنها به معرفی ریشه های بومی، فرهنگی و مذهبی مناطق مختلف ایران پرداخته و در زمینه زندگی، کار و بازی کودکان روستایی تمرکز داشته اند.

نویسنده مقاله، به معرفی برخی آثار این مجموعه پرداخته و در زمینه مشخصات و شناسنامه فیلم، خلاصه محور اصلی داستان و مختصری هم درباره چگونگی عناصر فیلم تکنیکهای به کار رفته در ساخت فیلم، نحوه تأثیرگذاری عناصر فیلم بر مخاطب و... اطلاعاتی به خواننده داده است.

داوران گفته است: «عکسهای امسال نسبت به سال پیش از لحاظ کیفی در سطح پایین‌تری قرار دارند.»

۲۷. فرزند سالم، شماره ۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۶.

مصاحبه با مدیر گروه کودک شبکه دوم (آقای عسگریپور)

سوال در این مصاحبه، آقای عسگریپور، اهداف عمده تلویزیون را در زمینه برنامه‌سازی برای کودک و نوجوان، به دو دسته نیازهای جسمی (برنامه‌های ورزشی و تفریحی) و نیازهای روانی (برنامه‌های تربیتی، فرهنگی و آموزشی) تقسیم کرده است.

از نظر وی، تلویزیون با ایجاد روحیهٔ بانشاط، شاد و مفرح در مخاطب، به طور مستقیم یا غیرمستقیم می‌تواند به فهم مباحث درسی توسط مخاطبان خود کمک کند.

مدیر گروه کودک شبکه دوم سیما در پاسخ به این سؤال که علت استفاده از برنامه‌های غیرایرانی در تلویزیون چیست؟ گفته است: هنر تصویری و نوشتاری، روح انسان را تعالی می‌بخشد و هر فرهنگی به نوعی راه و روش مخصوص به خود دست می‌یازد تا به این هدف برسد. در کشور ما کمبود عرضه و تولید کالای هنری بسیار محسوس است و به همین دلیل مسئولان تلویزیون از انتخاب برنامه‌های کودک و نوجوان خارجی و پخش آن ناگزیرند.

۲۸. فرزند سالم، شماره چهارم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۶.

تأثیر تلویزیون بر روان‌گروک
نویسنده: مرتضی خوانساری

سوال تلویزیون از طریق دو حس بینایی و شنوایی، ۹۵ درصد از اطلاعات را در اختیار مخاطب می‌گذارد. این میزان، حداکثر تأثیری است که یک رسانه می‌تواند بر ذهن کودک و

نوجوان بگذارد. تلویزیون، ذهن کودک را به دنیاهایی ناشناخته و شگفت‌انگیز می‌برد و کاربردهای مثبت و منفی آن عبارتند از:

نکات مثبت: وسیله‌ای است برای اجتماعی‌تر شدن کودکان؛ گسترش حیطهٔ اطلاعات مخاطبان؛ آموزش آداب سخن گفتن؛ کمک در حل مسئله به وسیله روشهای خلاقانه و کمک به کودک در کسب تجربه‌های تازه از طریق شریک شدن وی در تجربیات قهرمانان داستانش.

نکات منفی: سوق دادن کودک به تقلید از اعمال و رفتار شخصیت‌های مورد علاقه‌اش که نتیجه آن نوعی انفعال ذهنی و ضعف ارادهٔ اوست؛ تضعیف نیروی خلاقه حافظه و قضاوت کودک؛ تقویت پرخاشگری (به دلیل پخش برنامه‌های خشونت‌آمیز) و در پی آن ترویج بی‌عاطفگی، کاهش حس همدلی، ایجاد تزلزل اخلاقی و از بین بردن زشتی عمل آسیب‌رسانی به هم‌نوع که در کل موجب گسترش خشونت لجام‌گسیخته در میان کودکان و نوجوانان می‌شود.

یکی از دیگر نتایج منفی استفاده از این رسانه، ایجاد حس حقارت و تقویت در کودک به دلیل هم‌ذات‌پنداری وی با قهرمانهای غیرواقعی است. کودک می‌خواهد به تقلید از قهرمانان، کارهای قهرمانی بکند و چون انجام اعمال غیرواقعی قهرمانان برایش غیرممکن است، خود را بسیار کوچک، حقیر و ضعیف می‌پندارد. شکل‌گیری این احساس در دوران کودکی، بسیار ناشایسته و مخرب بوده و تأثیرش در آیندهٔ کودک بسیار خطرناک است. از دیگر مضار این وسیله، تقویت احساس کاذب در نیازهای عادی کودک به وسیله آگهی‌های تبلیغاتی، از بین رفتن مراحل و دوران کودکی به دلیل آشنایی زودهنگام وی با مسایل و معضلات بزرگسالان است.

برای فرزندانمان قصه بخوانیم (هنر قصه‌گویی)
مقدمه به انضمام داستان عامیانه «مرد خوب و
مرد بد»

نویسنده: محمود احیایی

به عقیده نویسنده، مادر بزرگها در قالب
شخصیت قصه‌گو، وجهه مناسبی دارند، زیرا:
- با سن زیاد و تجربه فراوانی که دارند،
آمادگی ذهنی بیشتر و ذوق سرشاری برای
قصه گفتن دارند.

- به علت پرورش و بزرگ کردن بچه‌های
زیاد (بچه‌های خود و یا نوه‌هایشان) با نوع،
روحیه و نیاز و خواسته‌های مخاطبان خود
بیشتر آشنا هستند و می‌دانند در موقعیتها و
زمانهای مختلف چه قصه‌ای را بگویند.

- اغلب نوه‌ها نگرش متفاوتی نسبت به
مادر بزرگ خود دارند (در قیاس با نگرش به
والدین) آنها شخصیت مادر بزرگها را جالب، به
دور از روابط عادی و پرتنش که با پدر و مادر
خود دارند، دارای شخصیت آرام و همچنین
سرگرم‌کننده می‌دانند.

- مادر بزرگها با داشتن وقت بیشتر در امر
قصه‌گویی، می‌توانند بیشتر متمرکز باشند.

□ فصلنامه‌ها

۳۰. گلپانگ، سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶

هستی کلام

نگاهی به رمان «کره طلایی» نوشته انوشه
منادی

نقد و بررسی از: بهرام ارژن‌پور

نقد نویسنده با آوردن بخشی از افسانه «شیر
و خرگوش» به اشتراک و شباهت عنصر
فردیت» در این افسانه با عنصر اصلی داستان

«کره طلایی» اشاره کرده است.

به عقیده نویسنده، «کره طلایی» رمانی
است متکی به شخصیت. این رمان با «بهمن»
شخصیت اصلی شروع شده و با مرگ او پایان
می‌پذیرد.

«بهمن» شخصیتی است باورپذیر و فردیتی
دارد قابل گسترش در گروهی از انسانها. از
سوی دیگر، تنگی و محدودیت قابل احساس در
این شخصیت ناشی از منظر (دیدگاه) انتخابی
نویسنده است که از زاویه دید بسته او
سرچشمه می‌گیرد.

به رمانهایی که بر شخصیت استوارند، در
اصطلاح «پیکارسک» می‌گویند و رمان «کره
طلایی» نوعی رمان پیکارسک است که با مرگ
شروع می‌شود و حاکمیت آن تا آخر بر داستان
باقی می‌ماند. درونمایه «مرگ» در برخی از
فصلها به وضوح دیده می‌شود. ولی در فصل
سوم و چهارم، کمرنگ‌تر می‌شود. در کل حس
«مرگ» و سنگینی سایه آن بر رویدادها و
آمدهای رمان، اگر به عنوان درون‌مایه آن در
نظر گرفته شود، باید در تمام فصلها جریان
می‌یافت و ساخت و بند و بست محکمی به رمان
می‌بخشید.

نویسنده، در مورد زاویه دید رمان نوشته
است: «رمان بر پایه زاویه دید «من راوی»
نوشته شده، ولی نویسنده گاه از این زاویه دید
چشم چرخانده است.»

منتقد در مورد شخصیت‌پردازی در این
رمان معتقد است که چرخش شخصیتها همراه
با جزیی‌پردازی آمده و این نگاه همراهِ
جزییات، به حس باورپذیری و همذات‌پنداری
مخاطب کمک می‌کند. اما چرخش شخصیتها با
جمله‌هایی کلی و فاقد تصویر ارائه شده است و
این مسئله نویسنده را در برقراری ارتباط با
خواننده، دچار مشکل کرده است.